

## کالبدشناسی بحران سوریه و مداخله آمریکا در آن

علی اکبر امینی<sup>۱</sup>

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

سعید آقاعلیخانی

کارشناس امور خاورمیانه وزارت امور خارجه

رحمت ابراهیمی

دانش آموخته اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۱/۹/۱۸ - تاریخ تصویب ۹۲/۳/۲۶)

### چکیده

به باور تحلیل گران عرصه سیاسی و اقتصادی، بحران سوریه از همان روزهای نخستین خویش نه تنها عرصه کشمکش و منازعه داخلی بوده، بلکه میدانی برای منافع و مطامع هم سو و متضاد کشورهای مختلف نیز به شمار رفته است. بحران مذکور به علت برخورداری از پیچیدگی های داخلی، منطقه ای و بین المللی در مرکز توجهات جهانی قرار گرفته است. سوریه به لحاظ نقش محوری خود در منطقه بویژه در محور مقاومت از اهمیت بسزایی برخوردار است. اتحاد سوریه با ایران و مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین، آن را به عنوان

---

Amini@yahoo.com

<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

قطب اصلی مقاومت در برابر غرب، اسرائیل و برخی کشورهای عربی و همچنین ترکیه قرار داده است و از این رو در طول یک دهه گذشته محور غربی-عربی تلاش زیادی کرده اند، این کشور استراتژیک و سوق الجیشی را مغلوب و به نحوی از محور مقاومت و خط سازش ناپذیری در برابر قدرت رژیم غاصب اسرائیل خارج کنند. لذا سوریه نه تنها به دلیل ذخایر نفتی، بلکه به خاطر جایگاه و موقعیت استراتژیکی که دارد در معادلات و موازنه های بین المللی دارای اهمیت خاصی شده است.

این مقاله با نگاهی تحلیلی ضمن ارایه تصویری کلی از بحران سوریه، نمایی کلی از ریشه این بحران و ارتباط آن با معادلات منطقه ای و جهانی را مورد کنکاش قرار می دهد. همچنین نقش بازیگران منطقه ای، راهبردهای ارایه شده برای حل بحران و به سابقه دشمنی آمریکا با سوریه و واکاوی اهداف آمریکا در ایجاد بحران در سوریه و پیامدهای ناشی از آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**واژگان کلیدی:** بحران، سوریه، آمریکا، ایران، مقاومت اسلامی

## مقدمه

سوریه به لحاظ نقش محوری خود در منطقه بویژه در محور مقاومت از اهمیت بسزایی برخوردار است. اتحاد سوریه با ایران و مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین، آن را به عنوان قطب اصلی مقاومت در برابر غرب، اسرائیل و برخی کشورهای عربی و همچنین ترکیه قرار داده است. از این رو در طول یک دهه گذشته محور غربی-عربی تلاش زیادی کرده اند، این کشور استراتژیک و سوق الجیشی را مغلوب و به نحوی از محور مقاومت و خط سازش ناپذیری در برابر قدرت اسرائیل خارج کنند. این تلاشها از گذشته های دور، از جنگ جهانی دوم شروع گشته و پس از اشغال افغانستان و حمله به عراق وارد مرحله جدیدی شد. ترور رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب الله، جنگ ۲۲ روزه در غزه، برخی از تحریم های هدفمند و تحولات سریع کشورهای عربی و نیز سوء استفاده از این تحولات، ادامه یافت. باتوجه به این همه هجمه، سوریه توانسته است از بحران موجود با موفقیت بیرون بیاید و خود را برای مرحله بعد از بحران آماده سازد. درحقیقت دمشق توانست در مقابل نقشه دولت‌مردان آمریکا که از استراتژی استفاده از یک تیر برای رسیدن به چند هدف، کمک گرفته تا هم محور مقاومت را از بین ببرند و هم ایران را تضعیف نمایند و مهمتر از همه امنیت اسرائیل را تضمین نمایند، با تکیه بر توان راهبردی خود در منطقه و جهان از یک سو و مدیریت عرصه داخلی مبتنی بر منافع ملی با تغییر در قانون اساسی و اجابت پاره ای از خواسته های معارضان و با حفظ ارزشهای مقاومت، همچنین با حمایت های ایران، روسیه، چین و استفاده حداکثری از اختلافات پنهان برخی کشورهای دیگر منطقه همانند قطر و عربستان، ترکیه و عربستان، ترکیه و مصر و نیز تحولات دیگر موجود در منطقه، بحران موجود را به نفع خود رقم زند و انتظار می رود باتوجه به این شرایط، موفقیت های این کشور همچنان ادامه یابد. با توجه به تحولات صورت گرفته در مصر

و اختلافات داخلی در سران حاکم در عربستان و نیز گفتگوهای اخیر جاری بین ایران و چند قدرت بزرگ در زمینه هسته ای و دور نمای رفع تحریم ها علیه ایران، تلاشها برای به زانو درآوردن این کشور و تغییر رژیم حاکم، همگی این طرح ها تاکنون با شکست مواجه شده است.

### ریشه های بحران

پس از مرگ حافظ اسد رئیس جمهور فقید سوریه، بشار اسد در نیمه سال ۲۰۰۰ در سوریه سکان مدیریت و رهبری کشور را به عهده گرفت. وی دستاوردهای مثبت دوران حافظ اسد را نگه داشت و روند اصلاحات و نوگرایی را آغاز کرد. همچنین، بهار دمشق برای مشارکت سیاسی، تاسیس جامعه مدنی و حضور فعال جوانان سوریه را پایه ریزی کرد. اما محیط فضای حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سرتاسر جهان را درنوردید و بهانه مبارزه جهانی علیه تروریسم و القاعده باعث نظامی شدن دیپلماسی کشورها و امنیتی شدن مناسبات میان کشورهای جهان شد. خاورمیانه در عصر ۱۱ سپتامبر، تبدیل به کانون مداخله بوش شد و ایران و سوریه به دلیل دفاع از مقاومت فلسطین و مسائل عادلانه مردم منطقه، در لیست سیاه حامیان تروریسم و محور شرارت قرار گرفتند. فشارهای گوناگون کاخ سفید علیه دولت بشار باعث کند شدن روند اصلاحات سیاسی، اقتصادی سوریه شد. بشار جوان نوگرا و اصلاح طلب که بدنبال مدیریت پیشرفت و سپردن کارها به جوانان این کشور بود، با توسعه طلبی و ماشین جنگی بوش روبرو شد. اشغال افغانستان و عراق، سوریه بشار اسد را با همسایه ناخوانده تجاوزگر روبرو کرد. تهدید بوش برای اشغال دمشق زیربنای اصلاحات بشار اسد جوان را تهدید می کرد و گاهی آسیب های جدی به آن می رساند. بشار اسد در این وضعیت تحت شرایط سخت امنیتی و تهدید قرار گرفت و روند اصلاحات وی تحت چکش تهدیدات آمریکا با رهبری بوش و سندان رژیم صهیونیستی با رهبری اولمرت از دو سو قرارداشت.

عقب نشینی بشار اسد از اصلاحات جهت تحکیم و تقویت جبهه مقاومت و بازدارندگی از تهدیدات آمریکایی - صهیونیستی تنها گزینه منطقی و معقول دمشق بود. پس از دو سال از اشغال عراق و علیرغم تهدیدات آمریکا و تحریم های بوش علیه سوریه تحت عنوان "محاسبه سوریه"، بشار اسد سعی داشت روند اصلاحات را اصلاح کند که با توطئه منطقه ای و فرامنطقه ای به بهانه دخالت سوریه در ترور رفیق حریری نخست وزیر فقید لبنان روبرو گشت.

کاخ سفید و کاخ الیزه با همکاری برخی شیوخ عرب منطقه، ترور حریری را بهانه کردند و قطعنامه ها و تحریمها و مجازات هایی علیه سوریه تحمیل کردند و ارتش این کشور را وادار به خروج از لبنان در سال ۲۰۰۵ نمودند. در این وضعیت تبعات سیاسی - امنیتی و اقتصادی برای مردم و دولت سوریه بوجود آمد و بشار جوان و اصلاح طلب را با معضلاتی روبرو ساخت.

پس از چیره شدن دمشق بر مشکلات ناشی از مساله ترور حریری، بشار اسد بار دیگر جهت احیا و شروع مجدد اصلاحات بویژه در بعد اقتصادی کمر همت را بست و کشور سوریه را برای جذب سرمایه گذاری خارجی و اجرای طرح های توسعه پایدار در کشور آماده ساخت اما جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه مقاومت اسلامی در لبنان (ژوئیه ۲۰۰۶) و غزه (دسامبر ۲۰۰۷) مشکلات امنیتی - سیاسی برای روند اصلاحات و نوگرایی اسد بوجود آورد.

علیرغم تمام مشکلات، بشار اسد با طرح سیاست راهبردی دریاهاى پنج گانه (مدیترانه، خلیج فارس، خزر، سرخ و سیاه) تلاش داشت سوریه به مرکز ارتباطات تجاری، انرژی و پیوند این دریاها تبدیل کند و جهت زمینه سازی و اجرایی کردن این طرح راهبردی به دیپلماسی فعال و گسترده دست زد.

دمشق مشکلات خود را با همسایگان شامل عراق، ترکیه، لبنان و اردن حل کرد و برای عربان کردن چهره توسعه طلبانه و جنگ افروزی رژیم صهیونیستی، دمشق

آمادگی خود را برای مذاکره با رژیم مذکور اعلام کرد و این روند را مشروط به اعاده حقوق مسلم مردم فلسطین و تحقق صلح عادلانه و فراگیر در کل منطقه خاورمیانه دانست. (Weiss and Stuart, 2012) اما در این برهه از زمان، اسرائیل هرگز وارد مذاکره با دمشق نشد؛ زیرا هرگز حاضر نبود جولان و سرزمین های اشغالی را به اعراب پس دهد.

بشار اسد در سال های ۲۰۱۱ - ۲۰۰۹ به کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکای لاتین سفر کرد و از حضور سران کشورهای جهان در دمشق استقبال نمود تا جایگاه سوریه در منطقه و جامعه بین المللی تحکیم و وضعیت اقتصاد کشورش را بر روی سرمایه گذاری های خارجی و همکاری با دیگر کشورها بگشاید.

بشار اسد مهندسی و اجرای برنامه های اصلاحات سیاسی و اقتصادی سوریه را در گرو توسعه اقتصادی، علمی و برنامه های توسعه پایدار ادامه داد اما تحریم های همه جانبه دولت های غربی از یک طرف و جریان های مخالف داخلی از طرف دیگر روند این اصلاحات را کند کرد. کند شدن روند اصلاحات در کنار عوامل پیش گفته سبب بروز نارضایتی هایی شد که اکنون همزمان با فتنه انگیزی غرب منجر به وضعیت کنونی شده است. (زعفرانی، ۱۳۹۲، ۳)

افق تحولات سوریه که برخی آن را در راستای بهار عربی می دانند به شدت مبهم است زیرا نظام و معارضین در نوعی حالت موازنه قرار دارند و هریک نیروی دیگری را خنثی می کند. از این نظر رویدادهای سوریه با آنچه در تونس و مصر رخ داد کاملاً متفاوت است زیرا در این دو کشور ارتش خود را جزیی از رئیس جمهور نمی دانست و خود زمامداران را قانع کرد که بهترین شیوه کناره گیری است. اما در سوریه ارتشی که اکثریت آن نیز علوی است احساس یگانگی عمیقی با بشار اسد دارد. هیات ها و کارگزاران سوری احساس تعلق عمیقی به حکومت دارند و شمار کناره گیری آنان از حکومت و پیوستن به معارضین در مقایسه با مورد لیبی، مصر و تونس بسیار اندک

است. مخالفین سوری هنوز بر سر کناره گیری اسد همداستان نیستند و برخلاف مورد تونس، مصر و لیبی دارای اختلافات عمیق و نزاع های داخلی شدیدی برای به دست گرفتن رهبری مخالفین هستند. دامنه اعتراض ها در شهر دمشق و حلب که ثقل سیاسی و اقتصادی را در اختیار دارند بسیار اندک است. پوشش رسانه ای تظاهرات بر خلاف مصر، لیبی، تونس و حتی یمن تقریبا غیر ممکن است و دولت سوریه مانع از حضور رسانه ها شده است. وضعیت اقتصادی سوریه به گونه ای است که همچنان قادر به مقاومت است و نیازهای اساسی آن از طریق ایران و عراق به راحتی تامین می شود. با موضعگیری صریح ایران و عراق و حتی لبنان محاصره زمینی یا دریایی یا اجرای مدل لیبی در سوریه تقریبا غیر ممکن است. اتفاق نظر بین المللی در مورد سوریه وجود ندارد زیرا روسیه، چین، هند، آفریقای جنوبی و برزیل هرگونه دخالت نظامی در سوریه را قویا رد می کنند.

برخی از تحلیلگران معتقدند که سیستم حاکم موجود شرایط را برای تشدید بحران در سوریه فراهم نموده است که عبارتند از:

الف) توتمیسم سیاسی که از طریق تجسم بخشی حکومت و ملت در یک شخص و ارایه تصویر رهبری که حضورش در همه جا و همه امور احساس می شود. (Wall

Street Journal, 8/12/2011)

ب) مادام العمر بودن حکومت بشار اسد، امکان مشارکت در قدرت را برای دیگر نیروهای سیاسی و شخصیت ها امکان پذیر نمی سازد.

ج) فرافکنی خارجی از طریق پوشاندن تمام کاستی های داخلی با بزرگنمایی دشمن خارجی و استفاده ابزاری از علقه های ملی در جهت تحکیم تمامیت خواهی دولت.

د) اقتصاد دولتی و استفاده از روش های اقتصادی زودگذر برای حل مشکلات مزمن

اقتصادی

همچنین فساد، فقر، بیکاری، به حاشیه راندن و بی اعتنایی به بخش های مهمی از

جامعه و بی توجهی به نیازهای جوانانی که ۷۰٪ جمعیت را تشکیل می دهند. در مقابل برخی دیگر معتقدند که عمده ترین دلیل بروز ناآرامی در سوریه فتنه انگیزی خارجی از جانب غرب، اسرائیل و عربستان است. از منظر آنان، مثلث مزبور دلایل موجهی برای سرنگونی بشار اسد دارند زیرا:

۱- سوریه تنها کشور عرب مستقل است که در منظومه هم پیمانان غرب محسوب نمی شود.

۲- سوریه در خط مقدم مبارزه با توسعه طلبی های اسرائیل است و تاکنون تلاش های غرب برای گنجاندن آن در جریان سازش بی نتیجه بوده است.

۳- عدم ثبات سیاسی در سوریه از نظر آمریکا یعنی محاصره بیشتر ایران، حزب الله و حماس.

۴- سوریه متحد سنتی ایران یعنی اصلی ترین مخالف سیاست های آمریکا در منطقه محسوب می شود.

۵- بی ثباتی در سوریه به معنی ممانعت از تقویت جبهه موسوم به هلال شیعی است که عربستان یعنی مهم ترین متحد آمریکا در منطقه را به شدت نگران کرده است.

۶- همچنین برخی معتقدند که اصلی ترین رقیب اقتصادی و سیاسی ایالات متحده در شرق پیمان شانگهای است. پیمانی که به ایران و سوریه به عنوان دروازه های شرقی خود می نگرد و تلاش دارد تا از میزان مداخلات سیاسی و اقتصادی غرب در آسیا بکاهد. بنابراین تضعیف سوریه و بالتبع ایران از آن نظر که راه ایران از سوریه می گذرد الویت اصلی ایالات متحده است.

علاوه بر دیدگاه های فوق، برخی دیگر معتقدند که گسترش شیعه مذهبی که پیشتر توسط آیت الله حسن شیرازی (۱۹۳۵-۱۹۸۱) از طریق ترویج شیعه اثنی عشری در میان شیعیان علوی سوریه آغاز شده و در دوره حافظ اسد توسط ایران بسط یافته بود در دوران بشار اسد به ترویج شیعه سیاسی تغییر فاز داده است و این مساله باعث

برانگیختن سنی مذهب هایی شده است که اکثریت جمعیت سوریه را تشکیل می دهند. این برداشت از سوی برخی تحلیلگران نفی می شود زیرا به زعم این عده حکومت سوریه هرچند حکومتی است که در دست اقلیتی علوی افتاده است اما یک حکومت مذهبی نیست بلکه حکومتی ملی است که به حاکمیتی تقلیل یافته که تنها شبکه ای از همفکران خود را بر سفره قدرت می پذیرد، در چنین ساختاری اولویت با علویان است اما نمی توان از این مساله چنین برداشت کرد که منشا نارضایتی ها در سوریه ناخشنودی سنی مذهب ها از حکومتی دینی - شیعی است. (New York Times, 9 December 2011)

#### تاریخچه خصومت آمریکا با سوریه

به طور کلی اختلاف میان سوریه و غرب به دوران پایان جنگ دوم جهانی باز می گردد که در آن هنگام لبنان از سوریه جدا گردید و دولتی مارونی در راس قدرت آن کشور قرار گرفت و خاورمیانه جدید بوجود آمد (ادن پل، ۱۳۷۶: ۲۴۸). در سال ۱۹۶۷ حمله نظامی اسرائیل باعث گردید بلندیهای جولان از سوریه جدا شده و به اشغال اسرائیل درآید. پس از آن لبنان نیز به اشغال نیروهای اسرائیلی درآمد تا فلسطینیان از جنوب آن رانده شوند. این اقدامات همواره با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا همراه بود (مایلز، ۱۳۶۸: ۹۳). حافظ اسد کوشش کرد تا از طریق اعتماد بر همسایگان خود، موقعیتش را مستحکم نماید. (درویش پور، ۱۳۷۴: ۲۲۵-۲۲۴) لذا به جمال عبدالناصر در مصر و همچنین کشور اتحاد جماهیر شوروی نزدیک گردید و قراردادهای مختلف نظامی و اقتصادی برقرار نمود به این امید که در رویارویی با غرب از کمک های آنان استفاده نماید (گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی، ۱۳۶۷: ۴۲۳).

اما با فروپاشی کمونیسم و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و حمله عراق به کویت از طرفی و نیز شناسائی اسرائیل از سوی رژیم مصر، حافظ اسد را وادار کرد در جنگ

کویت در کنار آمریکا باشد. در نتیجه این همراهی جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا به دمشق سفر کرد و پیشنهاد صلح با اسرائیل را مطرح نمود، همچنین طرحی برای احداث یک خط لوله برای انتقال آب از ترکیه به اسرائیل و اردن و شبه جزیره عربستان ارائه نمود که در نتیجه آن عراق از آب فرات محروم می گشت. حافظ اسد این طرح را رد کرد و این موضع گیری باعث اوج گرفتن اختلافات رو به افول قبلی گردید. از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد رفتار آمریکا در قبال سوریه تغییر می کند و این کشور دو نوع سیاست (چماق و هویج) به ظاهر متفاوت را در این خصوص در پیش می گیرد به این امید که سوریه را با خود هم سو نماید تا از قدرت موجود ضد آمریکایی در منطقه کاسته شود. از طرفی ساز برقراری گفتگو و نزدیکی به سوریه را می نوازد و از طرف دیگر کلیه رفتارها و اقدامات حمایتی سوریه در جهت کمک به محور مقاومت و انتفاضه فلسطین را به باد انتقاد می گیرد و دولت سوریه را از این سو گیری ها بر حذر می دارد.

از آغاز انتفاضه دوم فلسطین در سپتامبر سال ۲۰۰۰ و وضعیت بی ثبات منطقه، اسد را واداشت تا به عراق نزدیک شود که نتیجه این نزدیکی برقراری خط لوله نفت عراق به بانیاس بود. بدین ترتیب سوریه توانست روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت را با قیمتی کمتر از ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزانتر از قیمت جهانی دریافت نماید. در عین حال به دلیل تحریم اقتصادی عراق در آن هنگام، صادرات کالاهای ساخت سوریه به عراق شدت بیشتری گرفت که رونق نسبی اقتصاد سوریه و در نتیجه واکنش منفی آمریکا را به همراه داشت (خبرگزاری تسنیم، ۹۱/۵/۱۰).

روی کار آمدن محافظه کاران نوین در آمریکا باعث ایجاد نقش برجسته ای برای آمریکا در مقابله با لجاجت سوریه و خودداری از شناسائی اسرائیل گردید. موضع گیریهای ستیزه جویانه دیک چنی و رامسفیلد در برابر سوریه فراموش شدنی نیست به طوری که درخواست اضافه شدن سوریه به لیست کشورهای محور شرارت

که در آن هنگام شامل عراق، ایران و کره شمالی بود نیز در همین راستا می باشد. حادثه ۱۱ سپتامبر نیویورک فرصت طلایی را فراهم نمود تا کشورهای مخالف اسرائیل به عنوان دشمنان آمریکا معرفی شوند که البته سوریه در صدر این کشورها قرار داشت. درگام نخست، آمریکا درخواست کرد دفاتر نمایندگی حماس و جهاد اسلامی فلسطین در دمشق تعطیل گردد و ادعا نمود که این دو سازمان تروریستی هستند. خودداری سوریه از قبول این درخواست به نامیدن آن کشور به عنوان منبع تهدید برای آمریکا انجامید. هنگامی که سوریه سعی کرد در سازمان ملل و نیز در اتحادیه عرب جبهه ای مخالف تجاوز آمریکا به عراق تشکیل دهد، در محافل بین المللی به عنوان دشمن آمریکا معرفی گردید. پس از اشغال عراق، سوریه اجازه داد هزاران تن از داوطلبان مقاومت از مرز این کشور وارد عراق شوند و همچنین نزدیک به یک میلیون عراقی به خاکش پناهنده شوند (احمدی، ۱۳۹۱: ۷۳).

در ماه نوامبر سال ۲۰۰۶ میلادی بوش با صدور بیانیه ای، بانک های سوریه را مورد تحریم قرار داد و از معامله کردن آنها با بانک های جهانی جلوگیری نمود. در نتیجه شرکتهای آمریکایی فعالیتهای خود را در سوریه تعطیل کردند که البته این تحریم به علت عدم پیروی دیگر کشورها از آن موفق نبود. پس از به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی اردن و مصر و با توجه به اینکه اسرائیل تنها قدرت اتمی منطقه بود، محافظه کاران جدید دیگر تمایلی به برقراری صلح میان اسرائیل و سوریه نداشتند زیرا صلح با سوریه باعث می گردید اسرائیل بلندبهای جولان را از دست بدهد درحالیکه یک سوم آب مورد نیاز اسرائیل از جولان بدست می آمد.

### دلایل اهمیت سوریه برای آمریکا

بحران جاری در سوریه از جهات مختلفی نه تنها برای آمریکا بلکه برای بسیاری قدرتها و کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار است. سوریه نه تنها بخاطر منابع و

ذخایر نفتی، بلکه به خاطر جایگاه و موقعیت استراتژیکی که دارد در معادلات و موازنه های بین المللی دارای اهمیت است و به همین دلیل درهنگام تدوین و اجرای سیاست خاورمیانه از سوی هریک از دولت های آمریکا توجه خاص و ویژه ای به این کشور صورت پذیرفته است (آیرملو، ۱۳۹۲: ۸۵). یکی از مهمترین اهدافی که قرار بود، آمریکا در سوریه دست به آن بزند، تغییر موازنه قوا در عرصه میدانی سوریه بود. همگرایی ایران و سوریه که باعث بسط و گسترش روابط دو کشور بوده و نیز دفاع ایران از سوریه مهمترین دلیل تردید آمریکا از ورود به جنگ با سوریه بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸)

از مهمترین دلایل اهمیت سوریه برای آمریکا می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) عدم به رسمیت شناختن و ایجاد رابطه با اسرائیل

سوریه یکی از کشورهایی است که تاکنون رژیم اسرائیل را از گذشته تاکنون نه تنها به رسمیت نمی شناسد بلکه مانند برخی کشورها این رژیم را ساخته و پرداخته استعمارگران می داند که به منظور بحران آفرینی در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه بوجود آمد. از زمان اعلام موجودیت این رژیم در سال ۱۹۴۸ تاکنون سوریه هیچگونه ارتباطی با رژیم اشغالگر اسرائیل ندارد به طوری که اسرائیل خود را از بازارهای این کشور همسایه محروم می بیند. (بایربل، ۱۳۸۹: ۲۴۹)

ب) وجود دفتر حماس در سوریه

حماس یکی از گروه های جهادی اخوانی در داخل سرزمینهای اشغالی علیه اسرائیل می باشد که از ابتدای تاسیس این گروه تا سال ۲۰۱۲ میلادی دفتر آن در کشور سوریه قرار داشت. پیروزی اخوان المسلمین مصر و موضعگیریهای انجام شده در خصوص سوریه باعث شد تا حماس با نگاهی به کمک های مالی دولت قطر دفتر خود را به آن کشور منتقل نماید. اما این انتقال چندان دوام نیاورد و با روی کار آمدن دولتمردان جدید قطر که در پی کودتای آرام فرزند امیر قطر علیه پدرش به قدرت رسیدند، بخت

و اقبال این گروه در قطر رو به افول گذاشت و مسئولان حماس را برآن داشت تا بار دیگر به حامی قبلی خود یعنی سوریه توجه نمایند و قصد برگشت به سوریه نمایند. (یادگاری، ۱۳۹۱:۲۵۳)

#### ج) رابطه محوری با مقاومت

از ابتدای تاسیس جنبش حزب الله در لبنان و با هدف مقابله با رژیم صهیونیستی، سوریه همواره در کنار این گروه شیعی بوده و در موارد لزوم از هیچ گونه حمایتی کوتاهی ننموده است. (پایربل، ۱۳۸۹: ۸۰) به لحاظ جغرافیایی و همسایگی با کشور لبنان، سوریه در شکست دادن اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ میلادی کمکها و امکانات فراوانی را به حزب الله داشته است (نصرالله، خبرگزاری فارس، ۹۱/۳/۲۵)، این موضوعی نیست که از چشمان آمریکا که امنیت اسرائیل را همانند امنیت خود می داند، دور بماند.

#### د) نفوذ فراوان سوریه در لبنان

سوریه از سال ۱۹۷۳ میلادی به نفع مارونی‌ها و برضد گروههای فلسطینی وارد لبنان شد و یکی از مهمترین بازیگران عرصه سیاسی لبنان از آن زمان تاکنون می باشد. (واکیم، ۱۳۹۱: ۳۵) آمریکا به کمک عربستان با حمایت از گروه چهارده مارس در لبنان تلاش دارد تا زمینه هم سوئی کامل این کشور با سیاست های آمریکا در خاورمیانه را فراهم سازد و بر همین اساس طراحی ها و توطئه های مختلفی را برای پایان دادن به نفوذ سوریه در لبنان انجام داده و می دهد. سناریوی دادگاه رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان که در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ میلادی بر اثر انفجار بمب در بیروت به قتل رسید، یکی از این موارد است.

#### و) نقش سوریه در مقاومت فلسطینی ها مقابل اسرائیل

از زمان تاسیس رژیم اسرائیل، برای اولین بار گروه های جهادی فلسطینی با کمک سوریه و دیگران توانستند در جنگ داخلی با این رژیم پیروز شوند و این پیروزی

باعث دشمنی بیشتر اسرائیل و آمریکا در کنار دیگر علل شد. (نصرالله، خبرگزاری تسنیم، ۹۱/۹/۲۶) بشار اسد در پی اتفاقاتی که در یمن، اردن، مصر و چندکشور دیگر عربی صورت گرفت، در یکی از سخنرانی هایش در سال ۲۰۱۱ میلادی می گوید: «سوریه کشوری با ثبات و حکومت مردمی است، هرکس امید دارد با تضعیف سوریه از داخل، جولان و سرزمینهای اشغال شده مان را فراموش کنیم خیال باف است، پس جولان برای ماست و فلسطین مسئله ماست که به خاطرش شهدای زیادی را هدیه کرده ایم و همچنان مانند قبل داعیه دار مقاومت هستیم علیه دشمنی واحد که مقاومت راه و روش است نه شرط، اندیشه و تمرین است و نه کوتاه آمدن و فرصت سوزی». (اسد، سایت فارسی شبکه العالم، ۹۱/۶/۲۰)

(ن) روابط راهبردی با ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سوریه یکی از کشورهایی بود که ایران را به رسمیت شناخت زیرا ایران قبل از انقلاب روابط راهبردی و نزدیکی با رژیم اشغالگر قدس داشت و در مواقع گوناگون به اسرائیل کمک می نمود. وجود ایران دشمن با اسرائیل، شریک راهبردی جدیدی برای سوریه در کنار کشورهای عربی سازش کار به حساب می آید. کمک های فراوان سوریه در جنگ عراق علیه ایران، و نیز بستن خطوط انتقال نفت عراق از داخل خاک سوریه به دریای مدیترانه، وجود دشمن مشترک، کمک به حزب الله و گروه های فلسطینی، از نکات مثبت رابطه ایران و سوریه می باشد. با وجود فشارهای فراوان مقامات آمریکایی این روابط راهبردی حفظ شده است. به عنوان نمونه از این دست فشارها بر سوریه روزنامه الشرق الاوسط به سفر یکی از سناتورهای آمریکا به نام اسپکتر می نویسد: «هدف از سفر اسپکتر در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۷ به سوریه میانجیگری بین اسرائیل و سوریه بود. وی حامل پیام هایی از طرف ایهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل به اسد و معاونان وی از جمله ولید معلم وزیر خارجه است ولی اسپکتر در این سفر هیچ توفیقی به دست نیاورد، زیرا سه ماه پس از آن اسد در دیدار با

رهبری ایران اعلام کرد ما می خواهیم راهی را که حافظ اسد و امام خمینی آغاز کرده اند کامل کنیم. (سایت تحلیلی و خبری عصرایران، ۱۳۸۶)

### واکاوی اهداف آمریکا از ایجاد بحران در سوریه:

#### الف) بالابردن ضریب امنیت رژیم اسرائیل

برنارد لوئیس که کتابهای زیادی درباره اسلام و مسلمانان نوشته و او را تئوریسین سیاستهای استیلا و حاکمیت و دخالت آمریکا در منطقه می دانند، در کتابهای خود از جمله ریشه های خشم اسلامی، باعنوان کردن اصطلاح برخورد تمدنها، که بعدها الهام بخش هانتینگتون در نظریه هایش بوده، طرح تفکیک و کوچک سازی جهان اسلام را مطرح کرد. طبق طرح تفکیک لوئیس، سوریه نیز باید بر پایه اصول و مبانی مذهبی و نژادی به چهار کشور کوچک تقسیم شود: کشور عربی شیعیان در امتداد سواحل مدیترانه، کشور کردنشین در منطقه حلب، کشور سنی ها در دمشق و کشور دروزی ها در جولان و لبنان «بخشی از مناطق جنوب سوریه، شرق اردن و لبنان». (لوئیس، ۱۳۸۶: ۳۳)

#### ب) بازنگری سوریه در برقراری روابط راهبردی با ایران

پس از تحکیم روابط راهبردی سوریه با ایران و با پیشرفت اقتصادی و تکنولوژیک ایران، همکاری میان این دو کشور چنان گسترش یافت که گرفتاریهایی برای آمریکا و اسرائیل بوجود آورد. آمریکا، ایران و سوریه را به قتل بشیر جمیل و گلوله باران مراکز نظامی اسرائیل در صور در نوامبر ۱۹۸۲ میلادی و نیز حمله انتحاری علیه سفارت آمریکا در غرب بیروت در سال ۱۹۸۳ میلادی و حمله به پایگاههای ارتش های آمریکا و فرانسه در اکتبر ۱۹۸۳ در لبنان، متهم کرد. در سپتامبر ۱۹۸۴، سفارت آمریکا در بخش شرقی بیروت گلوله باران گردید که در نتیجه نیروهای امریکائی ناچار گشتند از لبنان عقب نشینی نمایند و بدنبال آن اسرائیل در ۱۹۸۵ از بیشتر بخش های خاک لبنان عقب نشینی کرد. سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور

نزدیک را دارد. ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریده که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید. (برزگر، ۱۳۹۰: ۱۵)

#### ج) قطع حمایت سوریه از جبهه مقاومت

سوریه وارد بازی‌های منفعت طلبانه آمریکا در منطقه نمی‌شود. (آیرملو، ۱۳۹۲: ۶۵)

بحران سوریه نشانه دیگری است از آنچه مدت‌هاست درباره آن حرف می‌زنند. هدف آوردن دموکراسی برای مردم سوریه نیست، هدف سرنگونی رژیم بشار اسد است. در این راه از روشی بسیار کارآمد و معتبر استفاده شده است، استفاده از مردمی که خواستار آزادی بیشتر بودند زیرا اسد برای منافع آمریکا و اسرائیل ناخوشایند است، با سرنگونی او و روی کار آمدن دولت دست نشانده آمریکا، نه تنها از مقاومت حمایت نمی‌شود بلکه به عکس دولتی حامی اسرائیل در همسایگی آن شکل خواهد گرفت.

#### د) نقش آمریکا در ارجاع پرونده سوریه به شورای امنیت

ائتلافی صهیونیستی، عربی، غربی، ترکیه ای به رهبری آمریکا به دنبال تزلزل سوریه به عنوان یکی از ارکان جبهه مقاومت بودند تا به گمان خود از شبیه سازی حرکت های مردمی در تونس و مصر، لیبی برای سرنگونی بشار اسد و در نهایت دگرگونی در فضای خاورمیانه بهره برداری کنند. به رغم تمام تحرکات صورت گرفته، سناریوهای متعدد طراحی شده علیه سوریه به دلیل وحدت میان ملت و دولت سوریه و عدم همراهی جهانی با فتنه گران، با ناکامی همراه شد؛ در حالی که روند تحولات، ماهیت اصلی ناآرامی های سوریه را نیز برملا کرد.

در نهایت در حرکتی عربی، غربی و صهیونیستی پرونده سوریه به نام اتحاد عربی

در اواسط بهمن ماه سال ۱۳۹۰ در شورای امنیت بازگشایی شد تا از فضای بین‌المللی برای اجرای اهداف ضد سوری بهره برداری شود. طرحی که در آن صرفاً سرنگونی اسد و اجرای خواسته‌های غرب در سوریه مد نظر قرار گرفته بود. به رغم تحرکات گسترده کشورهای عربی و غربی، پیش‌نویس این قطعنامه از سوی چین و روسیه و تو شد و آنها رسماً اعلام کردند که پذیرنده این طرح نخواهند بود. وتوی همزمان چین و روسیه که از موارد نادر وتو در شورای امنیت می‌باشد با واکنش‌های گسترده جهانی همراه شد و به نوعی معادلات منطقه‌ای و جهانی را دگرگون ساخت. به ویژه اینکه پرونده سوریه به نوعی به جدال میان شرق و غرب مبدل گردید. بر اساس پیش‌نویس قطعنامه‌ای که در شورای امنیت بازگشایی شد، مواردی چون کناره‌گیری اسد از قدرت و واگذاری امور به معاونش برای تشکیل دولت وحدت ملی و نیز آزادی غرب برای مداخله در امور سوریه گنجانده شده بود.

نکته قابل توجه آنکه کشورهای غربی که تا آن زمان به صورت پنهان و نیمه آشکار در قبال سوریه موضع‌گیری می‌کردند، آشکارا در صحنه حضور یافتند به گونه‌ای که هیلاری کلینتون، هیگ، ژوپه وزرای خارجه آمریکا، انگلیس و فرانسه شخصاً در نشست شورای امنیت حاضر شدند. در این میان ترکیه و رژیم صهیونیستی نیز اعمال فشار بر سوریه را مورد حمایت قرار می‌دادند که در نهایت جدال میان دو دیدگاه به وتوی قطعنامه عربی، غربی از سوی چین و روسیه منجر شد. (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۲۵)

ه) سلاح شیمیایی بکاررفته در سوریه تله‌ای برای جنگ جهانی آمریکا از آنجاکه بحران سوریه یک حلقه از مجموعه برنامه‌های آمریکا برای منافع خود و رژیم صهیونیستی است این اهداف گاه و به توسط سیاست‌مداران آمریکایی بیان می‌گردد. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از پایگاه اینترنتی پراودای روسیه در تحلیلی در خصوص اهداف آمریکا در سوریه می‌نویسد: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه می‌گوید از آمریکایی‌ها پرسیده در سوریه به دنبال چه چیزی هستند

اما جواب روشنی نگرفته است. شاید هنری کیسینجر، سیاستمدار کهنه کار آمریکا در ۴۰ سال گذشته شفافیت بیشتری به خرج داده است. سخنرانی جالب توجه وی حدود دو سال پیش از توجه رسانه‌ها و تحلیلگران جهان دور ماند. وی در اواخر سال ۲۰۱۱ درباره جنگی صحبت کرد که اجتناب ناپذیر خواهد بود. وی به مردم عادی توصیه کرد تا به حومه شهرها بروند، یک مزرعه بسازند و سلاح‌های خود را فراموش نکنند چرا که گرسنگی همه جا را فرا خواهد گرفت. اظهارات وی تایید نتایج درخشان سیاست‌هایی است که منجر به جنگ می‌شوند. کیسینجر اذعان داشته که آمریکا در حال کشاندن روسیه و چین به یک تله است و میخ نهایی این تابوت نیز ایران یعنی هدف اصلی اسرائیل خواهد بود. وی آمریکا را به تک تیراندازی تشبیه کرد که یک فرد تازه کار را تحریک می‌کند تا سلاحی را انتخاب کند و سپس هنگامی که این تازه کار آماده اقدام شد خود شلیک می‌کند. وی تاکید کرد که یک جامعه جدید و یک نظم جهانی جدید ایجاد خواهد شد و تنها یک ابرقدرت باقی خواهد ماند و آن دولتی است که بر جهان پیروز شود. (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۸۰)

### پیامدهای بحران سوریه بر منطقه و جهان

#### الف) پیامدهای اجتماعی بحران سوریه

زمان درازی از بحران سوریه می‌گذرد و اهداکنندگان بین‌المللی کمتر از یک سوم مبلغی را که برای آوارگان سوری نیاز است، پرداخت کرده‌اند. بحرانی که فارغ از عوامل ایجادکننده و تداوم بخش، یک نتیجه عینی و در عین حال بی‌سابقه را از خود به جا گذاشته است. بر اساس آنچه کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اعلام کرده است دو میلیون و ۲۵۰ هزار آواره سوری وجود دارد، البته برخی از این آوارگان کوشیده‌اند تا مامن خود را در خارج از مرزها بیابند. بر طبق آمار روزانه پنج هزار آواره از سوریه به کشورهای همسایه می‌گریزند و این در حالی است که بر اساس

اعلام شبکه خبری دویچه وله، در سال ۲۰۱۲ میلادی شمار رسمی آوارگان سوری حدود ۲۳۰ هزار نفر بوده اما طی ۱۲ ماه گذشته بیش از دو میلیون شهروند سوریه مجبور به ترک کشور خود شده‌اند، در این میان وضعیت کودکان سوری نیز خود از یک فاجعه بزرگ سخن می‌گوید، بنا به آمار سازمان ملل نیمی از آوارگان سوری در خارج از کشور شامل کودکان و نوجوانان زیر ۱۷ سال هستند، تعداد زیادی کودک در میان شهروندان سوری قرار دارند که مستقیماً از جنگ متاثر شده‌اند.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و صندوق حمایت کودکان سازمان ملل (یونیسف) گزارش داد: «جوانان سوری قربانی جنگ سوریه می‌شوند به طوری که از ۱۰۰ هزار قربانی جنگ داخلی در این کشور، هفت هزار نفر را کودکان تشکیل می‌دهند».

ازلحاظ بهداشتی نزدیک به یک میلیون نفر از آوارگان نیازمند درمان و رسیدگی پزشکی به دلیل شرایط عمومی یا وضعیت مرتبط با جنگ هستند، این وضعیت برای کسانی که دچار بیماری‌های خاصی مانند دیابت هستند بسیار خطرناک است. ناامنی و تجاوز جنسی تنها بخشی از مشکلات آوارگان سوری است. بلای آوارگی و دوری از خانه زمانی سهمگین‌تر می‌شود که خبرها درباره افزایش پدیده تجاوز جنسی به دختران سوری در اردوگاه‌های آوارگان رونمایی می‌شود؛ اتفاقی که سبب می‌شود خانواده‌های این دختران یا به خواسته‌های قاچاقچیان دختران تن بدهند یا دختران خود را در سنین بسیار پایین تنها به علت ترس و جلوگیری از تجاوز به عنف وادار به ازدواج کنند. در این میان همچنین اخباری از قاچاق و خرید و فروش دختران سوری برای شیوخ عرب نیز به گوش می‌رسد که نشان می‌دهد سوری‌ها علاوه بر آنکه از ناحیه مسلح شدن تکفیری‌ها توسط این دولت‌ها آسیب می‌بینند، در آوارگی هم از دست آنان آسایش ندارند. تحمیل یک جنگ از سوی آمریکا به سوریه می‌تواند آمار این آوارگان را که در نوع خود کم‌نظیر است را در حد یک رکورد بی‌سابقه افزایش دهد. (سایت خبری

تحلیلی سیاست ما، ۹۲/۶/۲۴)

ب) پیامد بحران سوریه و همگرایی در مناطق کردنشین

به دلیل نزدیکی دیدگاههای اکثر کردهای ساکن سوریه - تحت رهبری اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه- به کردهای کارگران کردستان ترکیه، نوعی تفاهم و همگرایی میان آنها و دولت مرکزی سوریه از ابتدای آغاز بحران در سوریه شکل گرفته است و این همگرایی مانند یک خط موازی از گذشته شکل گرفته است. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۴) این مسئله باعث شده بود که بیش از یک سال و نیم شاهد آرامش و ثبات نسبی در منطقه کردستان سوریه باشیم. اما اخیراً اقدامات تحریک آمیزی برای ایجاد ناآرامی‌ها در این مناطق شروع شده است که عمدتاً در یک طرف آن حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه قرار دارد که متهم به همکاری با دولت مرکزی سوریه است و در طرف دیگر جریان‌ات منتسب به گروههای مخالف سوریه و در رأس آنها گروههای تندروی جبهه النصره و احرار شام قرار دارند. (خبرآنلاین، ۹۲/۵/۲۰)

ج) پیامدهای بحران سوریه بر اروپا

نخست وزیر ایتالیا که کشورش در سال ۲۰۱۴ ریاست اتحادیه اروپا را بدست خواهد گرفت در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، بحران سوریه را یکی از محوری‌ترین مباحث نام نهاد و گفت: «یکی از پیامدها، مسائلی است که متوجه مرزهای اروپا می‌شود که خیلی هم حساسیت دارد به طوری که علت تشکیل نشست سن پترزبورگ هم همین بود. ایتالیا در یکی از ادوار بحرانی خود از حیث مالی، تصمیم به کمک مالی گرفت و حاضر شدیم ۵۰ میلیون دلار برای کمک به پناهندگان بپردازیم. از طرفی ما خواهان مشارکت اتحادیه اروپا هم هستیم، چون این مساله ای است که حضور یکپارچه اتحادیه را هم می‌طلبد. در غیر این صورت نخواهیم توانست واکنش مقتضی را نشان بدهیم. باز به همین علت است که ما می‌گوییم اتحادیه اروپا باید بیش از گذشته متحد و همگن باشد و بر این مبناست که امیدواریم پاسخی که به این مشکل

می‌دهیم در حد توقعات موجود باشد.» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۸/۱۱)

د) پیامد بحران و همگرایی برخی کشورهای منطقه با آمریکا علیه سوریه

جنگ داخلی در سوریه را می‌توان بر اساس نظرات جامعه‌شناسی ناشی از تصادمات فرهنگی یا اختلاف منافع اقتصادی دانست. (گیدنز، ۱۳۸۱:۷۰۳) در حقیقت سوریه به عرصه‌ای برای نقش‌آفرینی نوچه‌های آمریکا در منطقه به صورت حساب شده و بر اساس الگویی مبتنی بر تقسیم کار در بین چهار کشور تبدیل شده است. هر چند فشارها، تحریم‌ها و اقدامات ضد سوری از اتاق فکری فرماندهی می‌شود که مشخصاً در آمریکا قرار دارد، اما بازیگران نقشه‌های این اتاق فکر کشورهای عربستان، قطر، ترکیه و اردن در منطقه هستند که به ترتیب نقش جریان‌های مالی، رسانه‌ای، سیاسی و امنیتی را علیه سوریه ایفا می‌کنند که در ذیل به توضیح پیرامون آن خواهیم پرداخت.

### عربستان؛ نقش منبع مالی

یکی از مهمترین ابزارهای آمریکا در منطقه دولت عربستان سعودی می‌باشد که به صورت علنی در مقابل بیداری اسلامی در کشورهای مختلف منطقه موضع گرفته و تلاش داشته تا سیاست‌های مورد تأیید خود را در منطقه گسترش دهد. مهمترین نقش این دولت به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای خاورمیانه که از ره‌آورد فروش نفت می‌باشد این است که به تأمین‌کننده منابع مالی در کشورهایی که در آن بیداری اسلامی رخ داده تبدیل شده و این دخالت با هدف مصادره انقلاب‌ها و تغییر آرمان‌های انقلاب‌های منطقه و همگرا نمودن آنها با منافع آمریکا و با منافع خود است. علت دخالت عربستان در تحولات سوریه تغییر حکومت شخص بشار اسد است تا تحولات منطقه را به سود خود رقم بزند و سعی دارد به کمک دلارهای بادآورده و منابع مالی سنگینی که دارد با تزریق این منابع مالی به مخالفان سوری جهت براندازی حکومت

بشار اسد کمک نماید. از طرف دیگر عربستان به دنبال این است که با ایجاد بحران در سوریه افکار عمومی را به سمت این کشور هدایت کرده و افکار عمومی را از تحولات درونی عربستان دور سازد. عربستان به دنبال سقوط حکومت مستقر در سوریه با هدف شکستن محور مقاومت در منطقه است (قاسمیان، ۱۳۹: ۷۵).

### قطر: جریان رسانه ای

کشور قطر هر چند از نظر جغرافیایی کشوری کوچک و حاشیه ای در جنوب خلیج فارس است اما این کشور کوچک توانسته با تحرکاتی که از خود نشان داده نقش جدیدی را در تحولات منطقه بازی کند. قبل از فراگیر شدن موج بیداری اسلامی در منطقه؛ قطر تلاش داشت تا به عنوان میانجی در بین گروه های فلسطینی وارد شده و تلاش نماید تا اختلاف بین فتح و حماس به حداقل برسد. اما نقش این کشور در تحولات بحرین و سوریه نشان داد که این کشور در سیاست خارجی خود مستقل نبوده و بیشتر تابع منافع آمریکا در منطقه محسوب می شود. نقش قطر در تحولات سوریه تنها به تأمین منابع ملی و تجهیز مخالفان دولت سوریه محدود نشد، نقش رسانه ای قطر در تحولات منطقه به خصوص در سوریه بسیار محل دقت و قابل تحلیل و واکاوی می باشد. ارتباط مستمر با گروه های مخالف سوری، بزرگ نمایی تلاش های غربی - عربی برای فشار بیشتر بر سوریه، دروغ پردازی در مورد تحولات سوریه، گوشه ای از تلاش های رسانه ای قطر برای رقم زدن تغییرات سوریه به نفع سیاست های آمریکا در منطقه است. از نقطه نظر رقابت با عربستان سعودی، قطر سعی می کند که به تدریج جایگاه عربستان را در دیپلماسی منطقه ای تصاحب نماید. هر چند در قضیه ایجاد توطئه علیه محور مقاومت و سرنگونی دولت سوریه، این دو حکومت با هم تقسیم کار کرده اند یعنی از یک سو حکومت آل سعود با پشتیبانی مالی مخالفان سوریه و از سوی دیگر قطر با حمایت شدید رسانه ای و تبلیغاتی و استفاده از ابزار های رسانه

ای مانند شبکه « الجزیره» تلاشی هماهنگ با کشورهای غربی جهت سقوط دولت بشار اسد را دارند(قاسمیان، ۱۳۹۲:۷۷).

### ترکیه؛ بازیگر سیاسی

یک از دلایل تحرک مداخله جویانه ترکیه در تحولات سوریه این است که کشور ترکیه در یک فضای جغرافیای بسته قرار داد. چراکه از نظر شمالی ترکیه با کشورها و همسایگان اروپایی خود هیچ قرابت فرهنگی و مذهبی و اقتصادی ندارد و تلاش های این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا تا کنون با شکست مواجه شده است. از طرف غرب نیز این کشور با قبرس و یونان بر سر مسائل مرزی و حوادث تاریخی دارای اختلافات جدی هستند. از جانب شرق و حوزه ی قفقاز نیز کشورهایی چون ارمنستان با ترکیه بر سر نسل کشی ارمنی ها توسط دولت عثمانی دارای اختلافات تاریخی عمیق هستند و و آذربایجان نیز دارای مرز مشترک کمی با ترکیه بوده و چندان در تحولات منطقه اثرگذار نیست. با توجه به قدرت ایران در اینجا نیز نمی تواند حوزه ی نفوذ داشته باشد، لذا یکی از گزینه های مطرح برای ایجاد نفوذ و پیاده سازی اهداف سوریه می باشد. ترکیه به دنبال تغییر حکومت در سوریه است تا بتواند گروه های همگرا با خود را در سوریه به قدرت برساند تا از این طریق حوزه ی نفوذ خود را گسترش داده و محدودیت های خود را کم کند، علاوه بر این همگرایی سیاست خارجی ترکیه و آمریکا در قبال تحولات سوریه باعث شده تا این کشور به عنوان فعال سیاسی از جانب جبهه (غربی - ترکی - عربی) ضد سوری برای تحرکات سیاسی و چانه زنی سیاسی فعال شود(عبدالباری عطوان، ۱۳۹۱:۴).

### اردن، جریان امنیتی

مهمترین نقش کشور اردن در تحولات سوریه به عنوان جریان امنیتی قابل توجه

است. اردن و سوریه ۳۷۵ کیلومتر مرز مشترک زمینی باهم دارند و از این طریق اردن می تواند به عنوان پایگاهی برای هدایت، کنترل و اجرای برنامه های مختلف علیه دولت بشار اسد در بین همسایگان کشور سوریه باشد (عبدالباری عطوان، ۱۳۹۱: ۵). در جریان تحولات سوریه و مواضع غربی - عربی علیه این کشور، اردن با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس همکاری داشته و با آنان مواضع مشترک را اتخاذ نموده است. هر چند از نظر جغرافیایی سیاسی، اقتصاد و بسیاری از ابعاد حیاتی اردن دارای ارتباط مستقیم و اثرپذیر از تحولات دمشق می باشد؛ ولی حکومت مرموز حاکم بر اردن تا حال نقشی ضد سوری اتخاذ کرده است. این کشور علاوه بر هم پیمانی با شورای همکاری خلیج فارس با ناتو و آمریکا نیز متحد بوده و قراردادهای سیاسی و امنیتی متعدد و مختلف با رژیم صهیونیستی مانند قرارداد (وادی عربیه) بسته است. از این رو این کشور به یکی از پایگاه های ضد سوری در همسایگی سوریه تبدیل شده است. مهمترین آنکه شهر مهم المفرق در ده کیلومتری مرزهای اردن و سوریه قرار دارد و پایگاه نظامی مستقر در این شهر همواره یکی از مهمترین اتاق های فرماندهی و کنترل جنگ های نا منظم علیه سوریه بوده است، این گونه که مشخص است بنا بر تقسیم کاری که بین کشورهای دست نشانده حامی اهداف و سیاست های آمریکا در منطقه صورت گرفته؛ اردن نقش امنیتی و سرویس های اطلاعاتی را علیه سوریه بر عهده گرفته است.

#### ه ( پیامدهای بحران سوریه بر ترکیه

آتش فروزان بحران سوریه دامن ترکیه را گرفته است و هر قدر هم ترکیه بخواهد این آتش را با دست خود خاموش کند، بعید است، ترکیه در حال حاضر هزینه های کلانی را بابت بحران سوریه می پردازد (پناهندگان، گروه های مسلح، تامین سلاح، سفرهای مکرر به کشورهای مختلف، برگزاری نشست های متعدد با هزینه های کلان، کم شدن محبوبیت در میان افکار عمومی، برگزاری مانور، آماده باش های طاقت

فرسای نیروها و...) تا جایی که داود اوغلو نونوعثمانی گرای ترکیه و نظریه پرداز «صفر سازی» اختلافات با همسایگان، اکنون با خطر برکناری مواجه شده است (امیدی، رضایی، ۱۳۹۰: ۲۶۷-۲۳۱). ترکیه هم مثل سوریه کشوری چند قومی و چند نژادی و چند مذهبی است. شیعیان، اهل سنت، علوی ها و مسیحیان تنها بخشی از مذاهبی است که بیشتر شناخته شده اند و ترک ها، کردها و ترکمن ها از معدود نژادهایی هستند که در این کشور وجود دارد، قبلاً "کشور سوریه برای تحلیل بردن نیروهای امریکایی در عراق و منطقه، عبور و مرور مزدوران القاعده را در مرزهای شرقی خود تسهیل می نمود و کاری به کار آنها نداشت که باعث گردید اکنون همین تروریست های القاعده یی بلای جان آن کشور شوند، ترکیه نیز در حاشیه بحران سوریه این کار را می کند، پناه دادن به گروه های مسلح به هر بهانه یی که باشد کافی است تا ترکیه را به قندهاری دیگر مبدل سازد. در ترکیه ۲۰ میلیون علوی هم مذهب بشار اسد زندگی می کنند. کردها نیز تاکنون رویای کردستان بزرگ را فراموش نکرده اند (یلدز، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۵۲)، اکنون که برنامه های رجب طیب برای بهبود روابط با کردهای داخل به فراموشی سپرده شده اند و اکنون که آنکارا به سوی انتخابات حرکت می کند و اکنون که حزب جمهوری مخالف مروج گفتمان منتقد دولت رجب شده است و اکنون که خطر تقسیم سوریه بزرگ (دروز، اهل سنت، علوی ها و کردها) این کشور را تهدید می کند، روزی خطر تقسیم ترکیه بزرگ (سنی ها، علوی ها، کردها، ترک ها و...) هم ترکیه فعلی را تهدید خواهد کرد.

برای بیان مواردی از پیامدهای مثبت و منفی بحران سوریه می توان به: تجزیه و تضعیف منطقه خاورمیانه باهدف جلوگیری از وحدت کشورهای منطقه، تضعیف بنیه اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی کشور های منطقه به منظور جلوگیری از پیشرفت آنها، نفی سابقه تاریخی و جغرافیایی منطقه در درازمدت با تجزیه کشورهای حاضر، تغییر هویت ساکنان منطقه باشکل دهی درآموزش و پرورش، فرهنگ، تاریخ، دین

و همه ارزش های شخصیت سازواری تباط دهنده حال با آینده، تقویت اتحاد سوریه با جمهوری اسلامی ایران، پیچیده تر شدن مناقشه فلسطین، افزایش اختلاف بین قدرتهای بزرگ، تشدید روند کاهش قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه اشاره نمود.

### نتیجه گیری

دولتمردان آمریکا امروز بایستی به این نتیجه برسند که نه تنها نمی توانند در سوریه دخالت نظامی نمایند حتی قادر نخواهند بود افرادی هم سو با اهداف خود را به راس قدرت بیاورند چرا که دیگر قدرتهای بزرگ حاضر در جهان اجازه چنین کاری را به آمریکا نخواهند داد، قدرتهای مطرح در صحنه بین الملل به خوبی فهمیده اند از آنجا که حمله نظامی به سوریه در راستای طرح خاورمیانه بزرگ می باشد که در آن یک قالب تعریف شده و یک محصول نهایی به طرفهای مرتبط تحمیل می گردد و هدف از آن تجزیه کشورهای مختلف خاورمیانه به منظور توانمندسازی اسرائیل می باشد.

کشورهای چین و روسیه بسیار محکم با حمله نظامی به سوریه برخورد نمودند اگرچه این دو هم پیمان استراتژیک در موضوع انقلاب مصر و به خصوص جنگ در لیبی فریب سیاست های پیچیده آمریکا را خورده اند، این کار در سوریه هرگز تکرار نخواهد شد و روسیه به هر طریق ممکن سعی خود را در حفظ دولت اسد و حفظ منافع خود خواهد نمود تا مانع از روی کار آمدن گروههای افراطی و تندروهای سلفی و القاعده گردد. وتوی چندین باره قطعنامه ضدسوری توسط چین و روسیه پیام روشنی بود برای آمریکا، زیرا سابقه رفتار این دو عضو دارای حق وتو در مواجهه با بحران هایی از این دست عموماً مبتنی بر استفاده حداقلی از گزینه وتو می باشد. با این حال وقتی شورای امنیت سازمان ملل تحت فشار آمریکا رای به محکومیت، تحریم و در نوبت آخر استفاده از حربه نظامی علیه سوریه داد هر سه مرتبه با وتوی این دو کشور روبرو شد. این اقدام به آمریکا و متحدانش نشان داد که از این پس دولتهای قدرتمند

منطقه تحمل یکه تازی آنها به بهانه دمکراسی و حقوق بشر را ندارند. آمریکا تمام تلاش خود را کرد تا سناریوی لیبی را به امید پیروزی کم هزینه و ساده تر نسبت به آنچه در افغانستان افتاده برای سوریه تکرار کند ولیکن تاکنون نتوانسته است برگ برنده ای در این زمینه بدست آورد و به نظر می رسد آمریکا ناچار است خود را با این شرایط تازه وفق بدهد.

Archive of SID

## منابع

- آیرملو، رضا (۱۳۹۲)، استراتژی استعمارنو: دگرگونی ها و بحران ها، تهران، امیرکبیر.
- احمدی، حمید (۱۳۹۱)، ریشه های بحران در خاورمیانه، تهران، انتشارات کیهان.
- ادن دیل، ریچی (۱۳۷۶)، ریشه های جنگهای اعراب و اسرائیل، ترجمه ارسطو آذرسا، تهران، امیرکبیر.
- بایربل (۱۳۸۹)، جنگ طولانی اعراب و اسرائیل، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیرکبیر.
- بزرگر، کیهان (۱۳۹۰)، ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزشها، تهران، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی/گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس.
- درویش پور، حجت الله (۱۳۷۴)، بررسی پدیده های ناسیونالیسم در جهان عرب، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، نظریه های مختلف در روابط بین الملل، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاسمیان، روح الله (۱۳۹۲)، کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه ها، بازیگران و پیامدها، انتشارات کیهان.
- کاپلان، مایلز (۱۳۸۶)، امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه، ترجمه عبدالصاحب یادگاری، قم، کانون نشر اندیشه های اسلامی.
- گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی (۱۳۶۷)، تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، نشر توس.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی*، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.
- لوئیس، برنارد (۱۳۸۶)، *تاریخ خاورمیانه؛ دو هزار سال از ظهور مسیحیت تا کنون*، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، *درآمدی بر جنبشهای اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه انقلاب اسلامی.
- یادگاری، عبدالصاحب (۱۳۹۱)، *صدسال پایه پای حوادث خاورمیانه*، تهران، بی نا.
- یلدز، کریم (۱۳۹۱)، *کردهای سوریه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- امیدی، علی، فاطمه رضایی (بائیز ۱۳۹۰)، "عثمانی گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه"، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم.
- اسد، بشار (۹۱/۶/۲۰)، "سخنرانی رئیس جمهور سوریه در خصوص حوادث کشورش"، *سایت فارسی شبکه العالم*
- واکیم، جمال (۱۳۹۲)، «نبرد قدرت های بزرگ علیه سوریه؛ ابعاد ژئوپولیتیک بحران ۲۰۱۱»، ترجمه رجا نیوز، تهران.
- خبرآنلاین، (۹۲/۵/۲۰)
- سایت خبری تحلیلی سیاست ما، (۹۲/۶/۲۴)
- سایت تحلیلی و خبری عصر ایران، (۸۶/۵/۸)
- زعفرانی، قیس (۱۳۹۲)، "ریشه های بحران سوریه"، *سایت تبیان*.
- گفتگو با «انریکولتا» نخست وزیر ایتالیا در شورای روابط خارجی آمریکا ترجمه محمود فاضلی، *خبرگزاری فارس* ۹۲/۸/۱۱

- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۱/۱۰/۲۹)، سایت ایران بازگو.
- نصرالله، سیدحسین (۹۱/۵/۲)، "سخنرانی به مناسبت سالگرد جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه لبنان"، خبرگزاری فارس.
- نصرالله، سیدحسین (۹۱/۹/۲۶)، "سخنرانی دبیرکل حزب الله لبنان در بیست و سومین مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان حزب الله"، خبرگزاری تسنیم.

- Bilefsky, Dan(9/12/2011), "Factional Splits Hinder Drive to Topple Syria Leader", **New York Times**.
- Michael Weiss and Hannah Stuart(2012), **The Syrian Opposition: Political Analysis with Original Testimony from Key Figures**, Henry Jackson Society.
- "President Assad Denies Ordering Deadly Force", **Wall Street Journal**, 8 December 2011.

Archive of SID